

زوم

مختصری از چرا و چگونه آنچه در کربلای چهار گذشت

پیروزی در کربلای چهار

لیلا سادات باقری

پژوهشگر

اواخر اردیبهشت سال ۱۳۹۴ بود که خبر کشف اجساد «۱۷۵ غواص شهید» توسط کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح کشور، عمومی و منتشر شد. انتشار این خبر با ضمیمه تأکیدی نحوه شهادت این غواصان، بازتابی از احساسات مردمی را در پی داشت. دست بسته بودن شهدای غواص از طرفی و شهادت دسته‌جمعی‌شان در گوری مشترک از طرف دیگر، بر هر چه پرشور شدن این احساسات کمک شایان توجهی کرد؛ ضمیمه‌ای که کمی بعدتر با استناد بر دلایلی متقن منتفی شد. تحقیقات و اطلاعات تکمیلی نشان داد تمام غواص‌های شهید، دست بسته نبودند، بلکه اغلب آنها پیش از دفن شدن با جراحت وارده در حین عملیات به شهادت رسیده بودند و به این ترتیب موضوع زنده به گور شدن هم چندان مطرح نبوده است. تا جایی که همین تحقیقات نشان داد، با توجه به اسارت چند صد نفری رزمندگان ایرانی در این عملیات، استراتژی دشمن در گرفتن حداکثری اسرا بوده، نه به شهادت رساندن آنها و دستور خاصی برای کشتن رزمنده‌های ایرانی آن‌هم به روش دست بسته و زنده به گور کردن نداشته است. البته در همین گزارشات اسرای ایرانی حاضر در این عملیات با بیان خاطرات لحظات ابتدایی اسارت و بعد از آن، معتقد بودند بعضی‌ها روی غواص‌های

ایرانی تمرکز ویژه‌ای داشتند و با بدرفتاری‌های خاص به کرات این تمرکز را بشدت نشان می‌دادند. تا سال ۱۳۶۹ تمامی این اسرا جزو مفقودین به حساب می‌آمدند و در اردوگاهی به نام تکریب ۱۱ مستقر شده بودند که در این مدت هیچ مأموری از صلیب‌سرخ اجازه دسترسی به این اردوگاه مخفی را نداشت. با این حال این اسرا ادعان داشتند هیچ‌کدام با چشم ندیده‌اند که بعضی‌ها به شکل گسترده‌ای غواص‌ها را به شهادت رسانده باشند.

اما ایجاد حساسیت برای طرح این پرسش‌ها بعد از گذشت سه دهه از این عملیات، با وجود آمار بالای مشخص از تعداد شهدا، مجروحین و اسرا، تلاش برای تحقیقات و یافتن جواب‌های متقن بعد از انتشار خبر پیدا شدن اجساد شهدای غواص به دلیل باز شدن موضوع مهم و بجد حساسیت‌برانگیزی بود که حالا بار دیگر بعد از سال‌ها با بازگشت شهدای این عملیات مطرح شد. بازگشت ۱۷۵ غواص که در کربلای چهار به شهادت رسیده بودند بار دیگر کلیدواژه تلخ و مبهمی را از عملیات کربلای چهار آن‌هم بعد از ۲۹ سال نشانه گرفت. کلیدواژه‌ای که همچنان با فرا رسیدن دی ماه و سالگرد عملیات کربلای ۴ هر سال با نگاه به تقویم پرفرازونشیب هشت سال دفاع مقدس، سر باز می‌کند. باری در این فرصت و در آستانه همین فصل سرد، نگاهی کلی و مختصر به عملیات کربلای چهار و کلیدواژه آن یا همان «آیا و اما و چگونه شگسخت عملیات کربلای چهار و لو رفتن آن» داشته‌ایم.

هدفگذاری عملیات کربلای چهار و زایش کربلای پنج پیروز

عملیات کربلای چهار در سوم دی ماه ۱۳۶۵ آغاز شد. هدف اصلی این عملیات تصرف شهر بصره بود؛ اتفاق خوشایندی برای جبهه ایرانی که اگر به وقوع می‌پیوست، به یقین می‌توانست سرنوشت جنگ ایران و عراق را به طور کل عوض کند، اما در عمل این عملیات با شکستی بزرگ و با سرعتی بالا مواجه شد که می‌توان از آن به‌عنوان بزرگ‌ترین شکست عملیاتی در طول هشت سال دفاع ایران در مقابل عراق نام برد. این شکست به قدری سریع و با برنامه پیش رفت که حتی عده‌ای از کارشناسان و نظریه‌پردازان دفاع مقدس ترجیح می‌دهند از کربلای چهار به‌عنوان عملیات یاد نکنند، چرا که معتقدند با وجود تنها پنج یا شش ساعت از شروع کربلای چهار، عملیات متوقف شده است و تبعاً دیگر عنوان عملیات به آن تعلق نمی‌گیرد. این ادعا در حالی است که آمار کشته‌شده‌ها، اسرا و مفقودین عملیات کربلای چهار،

شروع و پایان پرتیبات عملیات کربلای چهار

یک سال قبل از شکل‌گیری عملیات کربلای چهار، غواصان خط‌شکن در فتح فاو از عاملان مهم پیروزی در والفجر ۸ شدند. این پیروزی به قدری گسترده و قابل‌عرض بود که می‌توان حدس زد تا چه اندازه بعضی‌ها برای غافلگیری دلاوران غواص ایرانی (با توجه به آگاهی نسبی از انجام عملیات یا همان لو رفتن آن)، همه‌جانبه‌با تجهیزات کامل آماده و حاضر شدند. که این بغض و کینه را در نوع کشتار و اسارات نیروهای ایرانی در این عملیات مغلوب هم به خوبی می‌توان دریافت. در همان ساعات ابتدایی شروع عملیات در سوم دی، با بازه زمانی یک ساعت و نیم، از ساعت ۲۱ تا ۲۲ و ۳۰ دقیقه‌که از حضور نیروهای تخریب‌چی غواص در اروند رود شروع شد، فرماندهان گردان‌ها خبر تمرکز دشمن روی تنگه‌های عبوری و تیربارهای فعال عراقی را به فرمانده عملیات اعلام کردند. اگر چه با وجود این همه شدت فشار و حمله، غواص‌ها مقاومت کرده و با شکست دادن موانع نخست ایجاد شده، اهداف اولیه را به دست آوردند. آنها با گذشتن از رودخانه توانستند

قابل کتمان و اغماض نبوده و نیست؛ اگر چه نمی‌توان حرکت استراتژی و داهیانیه فرماندهان حاضر و طراح همین عملیات مذکور را در طراحی و پیشبرد عملیات موفقیت‌آمیز بعدی یعنی عملیات کربلای پنج که تنها دو هفته بعد از شکست هزینه‌ساز کربلای چهار شروع شد را نادیده گرفت؛ آن‌هم زمانی که بعضی‌ها از پیروزی عملیات پیشین هنوز در جشن و پایکوبی بودند و حتی به خیال خود هم رؤیای حمله بعدی ایران به شرق بصره و به دزهای محکم و عبورناپذیر شلمچه را نمی‌دیدند! از همین رو است که نگارنده این سطور بعد از سال‌ها خواندن، شنیدن و دیدن روایت‌های متعدد از عملیات کربلای چهار، همواره سعی در حفظ زاویه انصاف داشته و نه به تعمد شروع و ادامه داشتن عملیات، بعد از آگاهی به لو رفتن آن اعتقاد دارد و نه به رد خورده! لذا در ادامه تنها به بررسی اجمالی از نقل‌قول‌های متعدد و متفاوت از فرماندهان و حاضرین در این عملیات پرداخته‌ایم که شاید در این گزاره بتوان به نظری نزدیک به حقیقت رسید.

شرایط ابتدایی حضور در ام‌الرصاص، بلجانیه، ام‌البابی، قطعه و سهیل را فراهم کنند، اما دشمن که با اطلاعات کافی قبل از شروع عملیات بر تمامی مناطق مطرح این عملیات تسلط کافی و همه‌جانبه داشت، پاتک ضد غواص و شناور را شروع و عقبه نیروهای ایرانی را بمباران کرد. این پاتک‌ها به قدری بود که ادامه نفوذ و حرکت غواص‌ها و قایق‌سواران برای رسیدن به اهداف بعدی حمله با مشکل جدی روبه‌رو شد. پیشروی و مقاومت تا ساعت ۶ صبح ۴ دی، ادامه داشت تا اینکه با دستور عقب‌نشینی فرماندهان موافقت شد و نیروهایی که حالا دیگر بیشترشان یا بشدت مجروح و زخمی یا شهید شده و روی آب‌ها و اطراف آن‌رها شده بودند، با به دست نیامدن مواضع خود از ادامه حرکت خودداری کردند. اما بعضی‌ها در واقع پاتک اصلی و سنگین خود را در ساعت ۱۱ صبح همین (۴دی) روز شروع کردند و آنچنان در ریختن آتش و گلوله روی نیروهای ایرانی، باقی ماندند که تا ساعت ۲۳ و ۴۵ دقیقه شب همان روز که عاقبت دستور توقف کامل عملیات اعلام شد، به گفته علی شمخانی فرمانده زمینی سپاه، نزدیک ۱۰۰۰ شهید و ۳۹۰۰ مفقودالاندر و ۱۱ هزار مجروح از این عملیات لورفته تلخ باقی ماند!



عوامل متعدد شکست عملیات کربلای ۴ و تنها دلیل لو رفتن

حقیقت در این است که قبل از شروع عملیات کربلای ۴ فرماندهان وقت، قوت احتمال لو رفتن عملیات را پیش‌بینی کرده بودند. محسن رضایی فرمانده سپاه در زمان جنگ، در بخشی از کتاب «جنگ به روایت فرمانده» در مورد همین پیش‌بینی احتمالی قبل از عملیات می‌نویسد «تایک هفته قبل از عملیات بر اساس ارزیابی فرماندهان، غافلگیری حدود ۸۰ درصد بود اما از یک هفته به عملیات هر چه به شب عملیات نزدیک می‌شدیم این رقم کاهش می‌یافت تا حدی که شب عملیات به حدود ۵۰ درصد رسیده بود. در شب عملیات تصمیم گرفتیم طوری عمل کنیم که اگر تا قبل از روشن شدن هوا متوجه لو رفتن عملیات شدیم، عملیات را متوقف کنیم.» با وجود این اما نمی‌توان گفت که شروع عملیاتی با این وسعت از تلفات مهم جانی، با سهل‌انگاری یا حتی چیزی که بعدها همین فرمانده مدعی آن شد و از آن به عنوان «عملیات فریب» نام برد، همراه بوده است که به نقل از سردار شهید سلیمانی در باب همین عملیات باید گفت؛ «عملیات کربلای ۴ به هیچ وجه عملیات فریب نبود و این عملیات یکی از عملیات اصلی ما محسوب می‌شد اما موفقیت در کربلای ۵ باعث شد عراقی‌ها فکر کنند که کربلای ۴ عملیات فرعی ما بوده است.» سردار شهید به نکتته بسیار قابل تأمل و معقولی هم اشاره می‌کند که می‌تواند روی بسیاری از کج‌اندیشی‌های مبنی بر تعمد و اصرار بر شروع این عملیات، خط بطلان بکشد، آنجا که می‌گوید؛ «اگر قرار بود به خاطر بخشی از لو رفتگی، کربلای ۴ انجام نشود نمی‌توانستیم هیچ عملیاتی را در جنگ اجرا کنیم.» از طرفی بررسی این عملیات از منظر جغرافیا و عدم شرایط مناسب اقلیمی و با توجه به زمان نامناسب انجام آن مثل وجود نخلستان‌های تنک و ساحل صنعتی که هر اقدامی در آنجا مشهود بود و سیلابی شدن رودخانه در زمستان که موجب سختی عبور از آن می‌شد هم از عوامل مهم دیگر شکست این عملیات به حساب می‌آیند که در کمال تأسف مورد ارزیابی طراحان این عملیات قرار نگرفته است و اینها گذشته بر گزینه قوی احتمال بر لو رفتن عملیات است.

زمان ما را با خود برده است

در آخر با تمامی گمانه‌زنی‌ها در این سی و شش سال بعد از عملیات شکست‌خورده کربلای ۴ و حواشی‌اش و سؤالات بی‌پاسخ مانده آن در ابهام ادبی، تنها چیزی که می‌شود آن را به اطمینان و بدون برجسب گرفتن از چرایی قضاوت‌ها و تهمت‌ها و کم‌کاری‌ها و دردها و اشک‌ها و داغ‌ها گفت؛ پیروزی تک به تک جان‌های عزیز و وارسته‌ای است که سربلند و بی‌توجه به بازی‌های کثیف استراتژی جنگ به فیض عظیم شهادت ناآل شدند و نام‌شان و یادشان تا ابد در سینه تمامی داغداران شهادت مظلومانه و بی‌گناه حضرت حسین باقی خواهد ماند!

